

ملت ایران یا وه‌سراییه‌های دولت بعث عراق را محکوم می‌کند

دولت بعثی عراق با تکیه بر گرایش‌های نژادی و ضدانسانی خود هر روز نغمه‌ای ساز می‌کند و ملت‌های خاورمیانه، به‌ویژه همسایگان خود، را به مسئله‌ای مشغول می‌سازد که در نهایت به سود امپریالیسم پایان می‌یابد. این فتنه‌انگیزی‌ها گاه در کارزار نبرد علیه صهیونیسم مشهود می‌گردد و گاه در یمن و عدن و، پس از انقلاب اسلامی ملت ایران، گویی صحنه‌ی بروز این خوش‌خدمتی‌ها در سرزمین ما جولانگاه پیدا کرده است.

مردم مسلمان و حق‌شناس عراق، که بیشتر شیعی یا متعلق به خاندان‌های ایرانی هستند، از آغاز نهضت اسلامی تا امروز، که عظمت انقلاب سرتاسر جهان اسلامی را به حرکت درآورده است، نسبت به ایران و رهبران مذهبی و ملی ما علاقه‌مندی نشان داده‌اند و آن قدر انصاف دارند که همین «استقلال نیم‌پند» کشور خود را ثمره‌ی مبارزات مراجع شیعی بدانند. کردهای ساکن عراق، که هنوز در غم از دست دادن عزیزان خود به‌سرمی‌برند و خاطره‌ی بمباران‌ها و آتش‌افروزی‌ها و ویران‌سازی‌های ارتش بعثی عراق را در کردستان از یاد نبرده‌اند، نسبت به خواست‌های تاریخی خود در اندیشه هستند و برادران عرب اهل تسنن به تحقیق کمتر تکیه‌گاه حزب بعث بوده‌اند، چه در آن دیار که تنوع عقاید و گرایش‌ها وجود دارد فقط بخش کوچکی از آن جمعیت با کارگزاران بعثی در پیوند سیاسی و نظامی هستند.

گروه بریده‌ازمردم اما مسلط عراق، که بی‌شک از تأیید امپریالیسم برخوردار است، هم‌اکنون در این سرزمین اسلامی و مقدس به فتنه‌انگیزی برخاسته است و، از بدو حرکت انقلابی ایران تا کنون، به بهانه‌های گوناگون کوشش کرده است در کارهای سازندگی ما مشکلات به وجود آورد: یک روز در دسیسه‌سازی و همکاری بسیار نزدیک با رژیم سلطنتی نابودشده، روز دیگر در اخراج شیعیان و ایرانیان از عراق و یا سخت‌گیری و ممانعت از فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی رهبر انقلاب در نجف اشرف، زمانی با بمباران کردن دهکده‌های مرزی، و اکنون با ارسال قوای نظامی و جاسوس به کردستان و ایجاد آشوب در میان کردها.

این دستگاه ضد‌مردمی چند صباحی است، به علت نمایش پیروزی انقلاب در پایان دادن به مشکلات کردستان، جنجال جدید تبلیغاتی به راه انداخته است و غافل است که این خیمه‌شب‌بازی مسخره نه تنها از لحاظ بین‌المللی محکوم است، بلکه از نظر ملت ایران به گونه‌ی تجاوز در امر حاکمیت ملی ایرانیان به تحقیق بی‌پاسخ نخواهد ماند. تاریخ چندهزارساله‌ی مدون جهانی خلیج فارس و جزایر آن را دنباله‌ی سرزمین‌های ایرانی می‌داند و ادعای بی‌معنای عراق در این مورد به‌راستی نوعی انحراف افکار مردم زیرستم آن کشور می‌باشد.

تحلیل اجتماعی و تاریخی میهن ما نشان‌دهنده‌ی وجود تیره‌های مختلف ایرانی است که، با شرکت همه‌جانبه‌ی آنان در سرنوشت ملی، یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران را تأمین خواهد کرد که در آن صورت آشکار خواهد شد بسیاری از مرزهای استعمارساخته‌ی کنونی بی‌بنیاد است و تیره‌های بریده‌ازمیهن به یمن حرکت انقلابی ملت ایران به خانه‌های طبیعی و تاریخی خود باز خواهند گشت.

دولت دست‌نشانده و پوشالی عراق می‌داند که اوج‌گیری انقلاب ما به دوران «کشورسازی» سیاست استعماری انگلستان خاتمه خواهد داد و انسان‌های منطقه را از نعمت انسانی و خواست‌های ملی و حقوق مشروع

«خودگردانی» سیاسی و اقتصادی و فرهنگی برخوردار خواهد ساخت و، در این راه، ضربت محکمی بر امپریالیسم و فتنه‌انگیزی‌هایش وارد خواهد کرد. حزب بعث به گونه یکی از آلات سلطه با شکل جدیدی از نیرنگبازی استعمار به صحنه گام نهاده و گمان برده است که می‌تواند چند دهه‌ای چون شاه مخلوع با تفرقه‌انگیزی در میان ملت‌های منطقه منافع امپریالیست‌ها را تضمین نماید. اما مردم ایران، که در حرکت شکوفای انقلابی بازسازی حیات ملی خود را هدف قرار داده است، نه تنها این یاوه‌سرایی‌های سفیر عراق در لبنان را جدی نمی‌گیرند؛ بلکه بی‌آنکه هیچ ابرقدرتی را قیم سرنوشت خود بدانند، به حکم نجات‌بخش بودن آموزش‌های انقلاب و پیشروندگی آن از حد و مرز استعماری و ضدانسانی، با حفظ دوستی‌ها و همگامی‌های مثبت با تمام ملت‌های به‌پاخاسته‌ی جهان، وحدت تاریخی و فرهنگی خود را باز خواهند یافت. در آن صورت، کاربه‌دستان نژادپرست عراق و دیگر دست‌نشانندگان امپریالیسم باید به‌همان جایی که فاروق و نوری سعید و محمدرضا پهلوی رفتند دیر یا زود عزیمت کنند که تاریخ بازگشت نمی‌شناسد.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران